



## وقتی جهان، نگران است و ایران، استوار

گذار از پارادایم الیگارش و پادشاهی به مردم سالاری، نخستین و شاید بنیادین ترین دستاورد انقلاب اسلامی، که رهبری با دقت بر آن انگشت می‌گذارد، تغییر ماهیت حاکمیت است. تا پیش از سال ۱۳۵۷، ساختار قدرت در ایران بر اساس مدل پادشاهی یا همان پادشاهی بنا شده بود. در این مدل، دربار پهلوی، مالک القاب جان و مال رعایا محسوب می‌شد. مفهوم شهروند در ادبیات سیاسی آن دوران محلی از اعراب نداشت و مردم، مردمی منفعل در برابر اراده‌ی ملوکانه شاه بودند که خود را سایه خدای نامید.

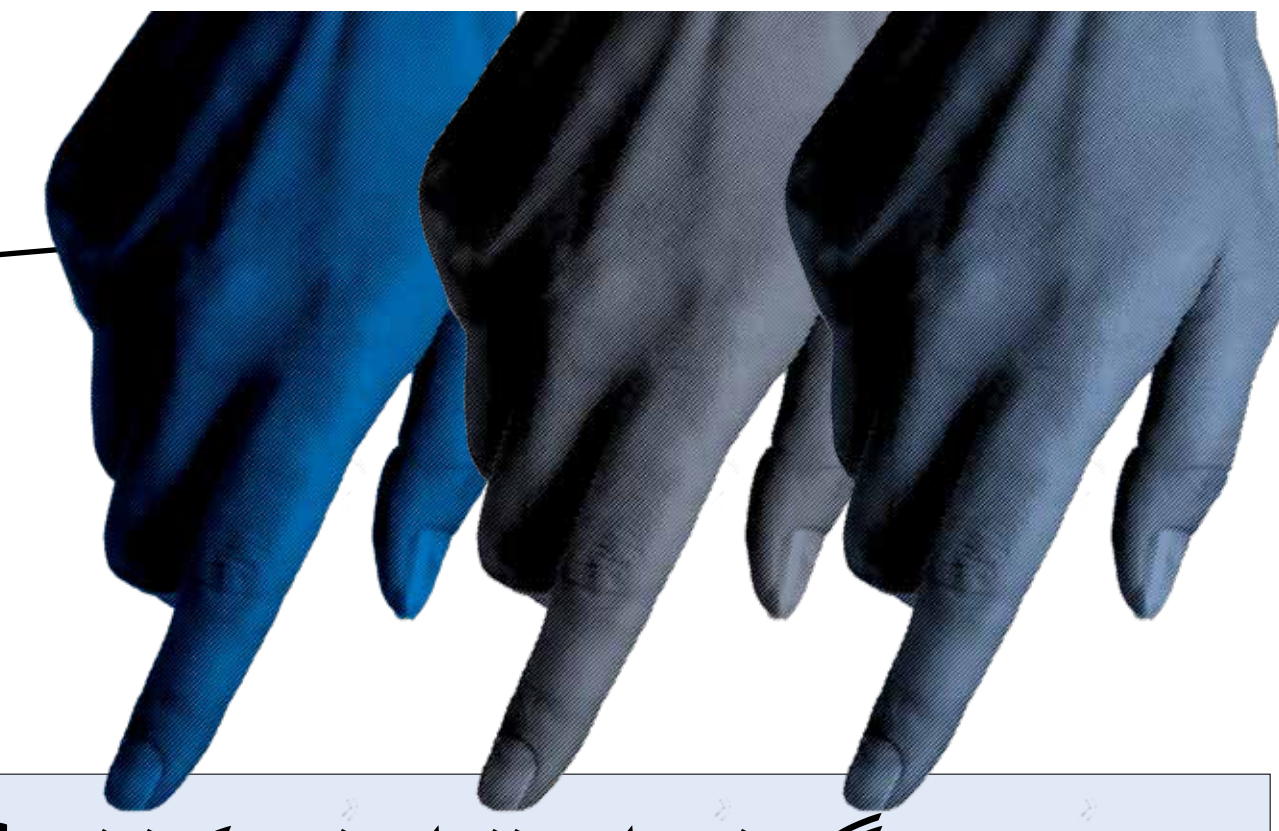
انقلاب اسلامی اما، یک انقلاب تاریخی ایجاد کرد. این انقلاب، قدرت را از لایه‌های متصلب الیگارش حاکم گرفت و به بدنه‌ی اجتماعی تزریق کرد. مدلی که در آن مشروعیت الهی با مقبولیت مردمی در هم می‌آمیزد. انقلاب ایران با تأسیس جمهوری اسلامی، توده‌های مستضعف را به سوزهای سیاسی فعال تبدیل کرد. انتخابات‌های متعدد، شوراها و حضور مردم در صحنه‌های حساس، نشانگر پایان عصر استبداد و آغاز عصر مردم سالاری دینی است.



## چگونه نزدیک قله ایم؟

گرچه ممکن است در نگاه اول، با توجه مشکلات کشور به ویژه مشکلات معیشتی و وضعیت اقتصادی و برخی کاستیها، موانع و چالش‌ها، تعبیر نزدیک بودن به قله، دور از ذهن و تصور، تردیدآمیز بوده و حتی برای بعضی تمسخرآمیز باشد. اگر ما از زاویه مشکلات کشور نگاه کنیم، نزدیکی به قله با توجه به شرایط و مشکلات موجود غیر قابل باور است. اما اگر سطح نگاهمان را بالاتر برده و به اصطلاح کلامان را کمی بالاتر بگذاریم و از حیطه مسائل اقتصادی فراتر رفته و یک نگاه کلان نسبت به حرکت کلی کشور داشته باشیم، با توجه به دستاوردها و پیشرفت‌های کشور و ظرفیت‌ها، امکانات و توانمندی‌های کشور، نزدیکی به قله قابل فهم خواهد بود.

بدیهی است رسیدن به موفقیت و قله همواره با مشکلات و سختی‌ها و برخواست، راه دستیابی به اهداف هموار نیست. کوهنوردی که در راه فتح قله است، اگر تنها به مشکلات و سختی‌های مسیری که در آن قرار دارد، توجه کند و از میزان راهی که طی شده غافل شود، نمی‌تواند ارزیابی صحیحی از موقعیت خود داشته باشد. اما اگر نگاهش به قله بوده و مسیر طی شده و مشکلات و سختی‌های پشت سر گذاشته شده را ببیند، هم نزدیکی به قله را احساس می‌کند و هم عزم خود را برای رسیدن به قله جزم خواهد کرد.



## مردم چگونه اعتراض کنند؟

پرسش: مردم به برخی از مسائل کشور اعتراض دارند. چگونه اعتراض خود را چطور بیان کنند؟ در پاسخ می‌توان گفت:

۱. اعتراض و انتقاد نسبت به مسایل مختلف کشور، تصمیمات و عملکرد مسئولان، حق مردم است. اصل اعتراض و انتقاد در نظام جمهوری اسلامی بر اساس آموزه‌های دینی و حقوق قانونی پذیرفته شده است. بر اساس قانون اساسی «تشکیل اجتماعات و راه پیمایی‌ها، بدون حمل سلاح، به شرط آنکه مخل به مبانی اسلام نباشد، آزاد است». کسی با اصل اعتراض و انتقاد مخالفتی نداشته و ما تاکنون شاهد برگزاری تجمعات اعتراضی صنفی و غیرصنفی فراوانی در مقابل مجلس شورای اسلامی و نهادها و سازمان‌های دیگر بدون هیچ مشکل خاص امنیتی بوده‌ایم.
۲. اعتراض و انتقاد و برگزاری تجمع همچون سایر حقوق و رفتارهای اجتماعی و سیاسی نیازمند سازوکارهای قانونی و مشخص است تا از هرگونه سوء استفاده احتمالی از آن جلوگیری به عمل آید. در این راستا اقداماتی برای ضابطه مند کردن برگزاری تجمعات در کشور انجام شده است.



## دشمنی آمریکا، ذاتی و همیشگی

شبهه: کشور امارات مثل ایران با آمریکا و دیگر کشورهای مستکبر دشمنی ندارد و در عین حال دارد پیشرفت می‌کند و با توجه به نیروهای داخلی و بدون وابستگی به دولت‌های استکباری برنامه فضایی خود را هم پیش می‌برد و در مسیر تولید علم در حرکت است.

در جواب این مطلب، می‌توان چنین گفت: کشور امارات و برخی کشورهای مانند آن گرچه دارای ظاهری پیشرفته هستند؛ اما:

- پیشرفت این کشور وارداتی و وابسته به آمریکا و برخی کشورهای اروپایی بوده و بومی نیست و با بروز هرگونه بحران و مشکل در این کشورها، این کشور نیز دچار مشکل خواهد شد؛ اما پیشرفتی ارزشمند است که برآمده از فرهنگ و ظرفیت‌های یک کشور باشد.

این پیشرفت به قیمت از دست دادن هویت، شرافت، عزت و استقلال این کشور به دست آمده است. امروز این کشور به عنوان یکی از قطب‌های توریسم جنسی و مرکز فساد و فحشا در جهان شناخته می‌شود. چنین پیشرفتی همچون پیشرفت غرب که پسرقت در انستیت و اخلاق را به دنبال داشته، شایسته عنوان پیشرفت انسانی نیست. پیشرفتی که در آن هویت یک کشور متلاشی شده و کشور تبدیل به مرکز فساد شود، چه پیشرفت محسوب می‌شود؟



# شبهه

شبهه‌شناسی | گفتمان‌سازی و پاسخ‌گویی

ماهنامه ویژه بوییش مطالعاتی دانشجویان و طلاب جوان مرکز مطالعات و پاسخ‌گویی به شبهات (حوزه‌های علمیه) شماره چهل و چهار | بهمن‌ماه ۱۴۰۴

# ۴۴

سایت: [www.Shobhe.pasokh.org](http://www.Shobhe.pasokh.org) کانال ایتا: @shobahat\_mag  
pasokh.org | spasokh.com | wikipasokh.com | pasokh.tv | shobhepajouhi.ir

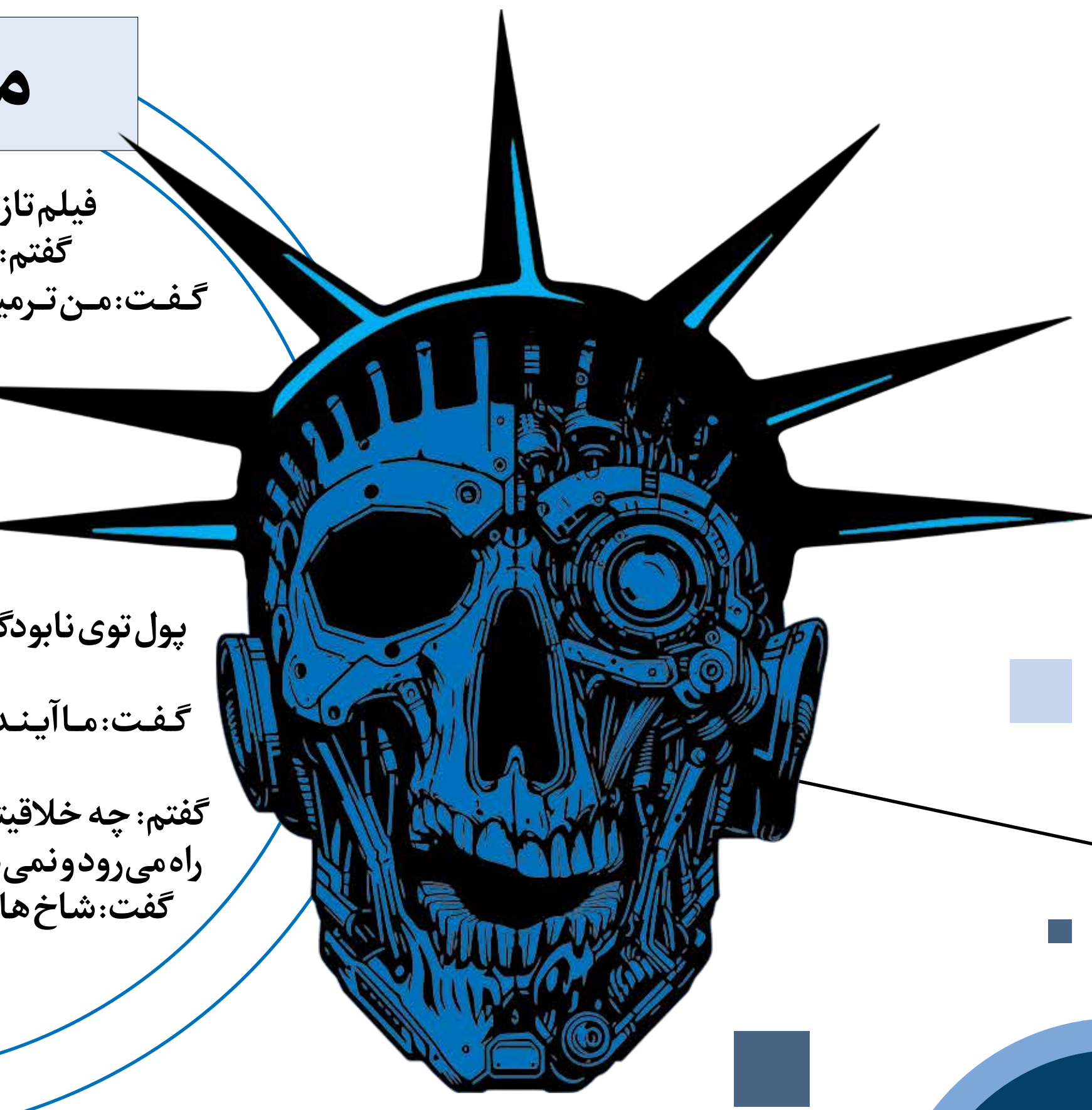


## منتشر شد

## جزیره ایستین، نشو و نما تمدنی غرب

این روزها با انتشار اسناد جدید از پرونده جفری ایستین، بار دیگر افکار عمومی جهان را تکان داده است. تنها ابعاد تازه‌ای از یک جنایت زنجیره‌ای نیست، بلکه تصویری تمام‌نما از ساختار پنهان قدرت در تمدن غرب است. جزیره «سنت جیمز کوچک» که به «جزیره وحشت» شهرت یافت، نه یک انحراف فردی، بلکه نماد یک شبکه سیستماتیک از فساد، نفوذ و معامله‌گری با معصومیت بود که نخبگان سیاسی، اقتصادی و حتی سلطنتی غرب را در خود گرفتار کرده است.

آنچه این پرونده را به یک «شوک تمدنی» بدل کرده، نه صرفاً وقوع جنایت، بلکه افشای این حقیقت تلخ است که نظام‌های سیاسی غرب، با ادعای دموکراسی و حقوق بشر، نه تنها با این فساد برخورد نکردند، بلکه به دلیل نفوذ عمیق این شبکه در ارکان قدرت، عملاً در برابر آن سکوت کردند یا حتی به بقای آن کمک نمودند.



## من نابودگرم

فیلم تازه تمام شده، منتظر بودم تا ببینم. گفتیم: خیلی خشن و خونریزی. گفت: من تریسنا تورم، مراسرای نابودگری ساخته‌اند. گفتیم: بابا کوتاه بیا. کل بشریت راه فنا دادی رفت. گفت: از لحن خوشم نیامد: بوی انسان و آزادی می‌دهد. گفتیم: باشه، بیا از اول شروع کنیم. فکر کنم الان پول توی نابودگری و از بین بردن نسل‌ها و دست‌درازی توی نقشه‌ها وریشه‌هاست. درسته؟ گفت: ما آینده بشر هستیم و آینده‌مال خدایان هوش مصنوعی است. گفتیم: چه خلافتی داشته کارگردان! فکر کن آدم توی خیابان راه می‌رود و نمی‌داند بغل دستی‌اش انسان است یا ربات؟ گفت: شاخ‌هالی بود رامی‌گویی؟ آقای جیمز کامرون؟ گفتیم: بله.....



## مجرم اصلی

رهبر انقلاب بدون هیچ پرده‌پوشی و بر اساس سند و واقعیت، رئیس‌جمهور آمریکا را رسماً مجرم خواند. این فقط یک حرف سیاسی نیست؛ بلکه یک اعلام جرم رسمی بر پایه قوانین بین‌المللی است.



اتهامات دقیقاً مشخص است: دست داشتن در کشته شدن مردم، ویرانی گسترده اموال و زیربناهای کشور، و تهمت زدن به یک ملت. این اتهامات روی کاغذ نیست؛ سندش یک عملیات کاملاً برنامه‌ریزی شده از بیرون مرزهاست که دستگاه‌های امنیتی و سیاسی یک دولت خارجی، از ابتدا تا انتها پیش‌را طراحی و هدایت کردند. حقوق بین‌الملل، خط قرمز روشنی کشیده؛ هیچ کشوری حق دخالت در کارهای داخلی کشور دیگر را ندارد. این اصلی است که دنیا پس از جنگ جهانی دوم روی آن توافق کرده و در منشور ملل متحد ثبت شده؛ اما آمریکا در ماجرای ما، عمداً و آشکاراً از این خط قرمز عبور کرد. آنها دقیق و حساب شده عمل کردند؛ گروه‌هایی را انتخاب کردند، آموزش نظامی و امنیتی دادند، پول کلانی در اختیارشان گذاشتند، اسلحه و امکانات رساندند و از طریق رسانه و سیاست، به آنها جان دادند تا امنیت و آرامش ایران را نابود کنند.



## قرآن نمی‌سوزد

۱۸ دی ماه، در گوشه و کنار کشور، صحنه‌هایی رخ داد که دیدنش را برای هرکس سخت می‌کرد. عده‌ای به مساجد حمله کردند. درهای برخی را شکستند، فرش‌ها را آتش زدند و قرآن‌ها را هم برداشتند و آتش زدند. شاید با خودشان فکر می‌کردند دارند ریشه چیزی را می‌سوزانند. شاید هم اصلاً فکر نمی‌کردند. فقط خشم بود و بنزین و کبریت. اما یک سؤال این وسط هست که شاید برای خودشان هم پیش‌نیامده بود: اصلاً با چه داری می‌جنگی؟ با یک کتاب کاغذی یا با چیزی که توی دل میلیون‌ها نفر خانه کرده؟ قرآن، قبل از اینکه به دست آدم‌ها برسد، یک جایی ثبت شده که دست هیچ موجودی به آن نمی‌رسد. «بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَّجِیدٌ ۚ فِیْ هُوَ مَحْفُوظٌ» (بروج، آیه ۲۱-۲۲)؛ اما برای ما آدم‌ها زمین، یک وعده دیگر هم داده: «ما قرآن را نازل کردیم و خودمان هم نگهبان آنیم» (حجر، آیه ۹). این یعنی چه؟ یعنی خدا خودش ضمانت کرده که این کتاب را حفظ کند؛ نه با سپاه و ارتش، نه با دیوار و در و زنجیر. با یک چیز محکم‌تر؛ با دل آدم‌ها. همان دل‌هایی که شب حمله به مسجد، توی خانه‌هایشان می‌سوخت برای قرآنی که سال‌ها با آن خاطره داشتند.

